



خاطرات نوحه خوان رزمنده
حاج مقصود پور رادی
بازنویسی و تدوین: مهدی نعلبندی

سرشناسه:	نعلبندی مهدی - ۱۳۵۰
عنوان و نام پدیدآور:	حنجره عاشق، خاطرات نوحه خوان رزمنده
مشخصات نشر:	حاج مقصود پوررادی / باز نویسی و تدوین مهدی نعلبندی تبریز، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (آذربایجان شرقی)، سپاه عاشورا، مرکز حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس ۱۳۸۰
مشخصات ظاهری:	۱۴۴ ص
شابک:	۲۰۰۰ ریال / ۷-۸-۰۸-۵۹۰۲-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
موضوع:	پوررادی، مقصود، ۱۳۲۵ -- خاطرات
موضوع:	جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹، ۱۳۶۷ -- خاطرات
سنايه افزوده:	سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (آذربایجان شرقی)، سپاه عاشورا، مرکز حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس
رده بندی کنگره:	۱۳۹۰ ن ۷ پ ۹۳ / DSR ۱۶۲۹
رده بندی دیویی:	۹۵۵ / ۰۸۴۳۰۹۲
شماره کتابشناسی ملی:	۲۲۷۲۹۳۲

حنجره عاشق

- خاطرات نوحه خوان رزمنده حاج مقصود پوررادی
- باز نویسی و تدوین: مهدی نعلبندی
- ناشر: مرکز حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس سپاه عاشورا
- بامشركت: ساز ملن عمران شهر داری كلات شهر تبریز
- امور فنی و هنری: فیروزه ۱۱۳۹۳۶۲۵-۴۱۱
- چاپ: امید تبریز، نوبت چاپ: اول - بهار ۱۳۹۰
- شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
- قیمت: ۲۰۰۰ تومان
- شابک: ۷-۸-۰۸-۵۹۰۲-۶۰۰-۹۷۸
- نشانی: تبریز، خیابان حافظ، تقاطع پاستور، ساختمان شهید مدنی،
مرکز حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس سپاه عاشورا - آذربایجان شرقی
- تلفن: ۵۵۶۸۰۰۰ - ۴۱۱



فهرست

فصل سوم: جرعه جرعه عشق | ۴۳

آشنایی با استاد عابد | ۴۴

مزامعت شما نقطه ندارد | ۴۵

جهانی بنشسته در گوشه‌ای | ۴۶

منیت سنینگی‌دور | ۴۷

ای منزله از همه اوصاف، تو! | ۵۱

ما آبروی فقر و قناعت نمی‌پریم | ۵۲

سه شعر در سه ریتم | ۵۴

مرا ببر جبهه مقصود! | ۵۴

شقایق است سراسر دیار خرم‌شهر | ۵۵

از آقای سیستانی اجازه دارم | ۵۷

قره معجر | ۵۸

ثواب این شعر را بخشیدم به آن خاتم | ۵۸

مردده آن صه‌بای جلن پرورد را | ۵۹

یگسر جهانی چون قادی نور هدی شهید | ۶۱



فصل چهارم: سیاه | ۶۳

انقلاب برپا شد | ۶۴

پدر با دستگاه میثاق‌های نداشت | ۶۵

بوسه‌ای بر مزار حاج حسین | ۶۶

عَلَم‌سیر سیره! | ۶۶

قرعه‌ی فال | ۶۷

این لباس مقدس | ۶۸

به نام من و به کام کاظم | ۶۹

از آنجا رانده و از اینجا مانده | ۷۰

آن چشم‌ها را شفیع می‌گیرم پیش خدا | ۷۱

پیش گفتار ناشر | ۵

به نام خدای شهیدان | ۹



فصل اول: کوچه‌های کودکی | ۱۱

محبت خانه | ۱۲

بچه‌ی کوچکی ارشد | ۱۳

اولین حمد و قل هو الله | ۱۴

ای غنچه‌ی لب عطشان | ۱۶

باز آید بوی مهر | ۱۹

داداش سعید و جای خالی اش | ۲۰



فصل دوم: ریزه خوار خوان محبت | ۲۳

حاج حبیب | ۲۴

خلوتخانه‌ها | ۲۶

خانه‌ی اهل علم | ۲۹

این نوحه را همه بلندند | ۳۰

اولین نوحه‌ای که خواندم | ۳۱

حاج حبیب ستون این خیمه بود | ۳۲

بی ثمر دگول جست و جوباجی | ۳۳

گریه به سلن فرزند مرده‌ها | ۳۹

شد عقیقستان، زمین نینوا | ۴۰

۱۰۳ | قند داریم در خانه

۱۰۴ | حنای حجله

۱۰۵ | بوقور بانلیغیمین قوربانی دیر

۱۰۷ | بر حدز باش که سمری شکند دیوارش

۱۰۹ | تو مومی یینی و من پیچش مو

۱۰۹ | صدقه‌ای برای سلامتی شان

۱۱۰ | وسط هفته نیاید سراغ ما

۱۱۰ | گلمیشم او غول



۱۱۳ | فصل هفتم: حنجره‌ی عاشق

۱۱۴ | خوشابه حال توکز موج‌ها گذشتی ...

۱۱۵ | متنی سر خدا ندارم

۱۱۵ | حاج رضای بذله گو

۱۱۶ | می ترسم در بستر بمیرم

۱۱۷ | دلتنگم

۱۱۸ | هیبت شهدای گمنام

۱۱۹ | مافزار گذاشته‌ایم

۱۱۹ | دعوتنامه‌اش رسید



۱۲۳ | فصل هشتم: ختامه مسک



۱۲۷ | فصل نهم: تصاویر

۷۳ | هر بلای سوگیر دی باشلارا

۷۴ | آب به خیمه‌ها رسید!

۷۵ | بلیطم تمام شد



۷۷ | فصل پنجم: طلای سرخ

۷۸ | دنگی چشم گشتی!

۷۹ | طلای سرخ

۸۱ | یک سال بعد از خیبر

۸۳ | هاردا سن نه؟!

۸۴ | برای من هم جلیقه‌ی نجات بگیر!

۸۶ | یو خومی گزور ویر!

۸۸ | الله بندمسی

۸۹ | زخم یادگیری

۹۱ | دجله را خون حجله کرد



۹۳ | فصل ششم: امیر و رضا

۹۴ | امیر

۹۵ | من اینجا بی نیستم!

۹۶ | سر باز آقا باید آماده باشد

۹۷ | ماکتک مرا مصلن را خورد ما میم

۹۸ | داداش امیر رفت

۱۰۰ | رضا

۱۰۱ | با جراحی بر نمی‌گردم

۱۰۱ | خوش خبر

۱۰۳ | او رو جعلی زارع



پیش گفتار ناشر

حماسه‌ی جاودان هشت سال دفاع مقدس نمایش بزرگ اعجاب انگیز از عظمت‌های کم نظیر انسان دیندار قرن حاضر است که با سلاح و نیروی عظیم ایمان به خداوند متعال و سر سپردن به اسلام ناب محمدی (ص) پدیدار گردیده و لحظه لحظه‌ی آن شنیدنی و درس آموز است.

حضرت روح الله (ره) امام شهیدان، باز هم چه زیبا فرموده‌اند: «ما برای درک کامل ارزش و راه شهیدانمان باید راه طولانی را پیماییم و در گذر زمان و تاریخ انقلاب و آیندگان آن را جستجو نماییم.»

امروزه پاسداشت و بزرگداشت یاد و خاطره این گلگون کفیل و مرور حماسه‌ها و رشادت‌ها اندک کاری است که می‌توان برای این جاودانه‌ها انجام داد. اما تنها یادها کافی نیست و عمل به گفتار و دنباله روی این مسیرها و هدف‌ها همتی بلند که آن طلبد که آن هم در شلن امتی قدردان و وظیفه شناس است.

سفارش همه‌ی شهدا در پیام‌ها و وصیت‌نامه‌ها، بر پاسداری از انقلاب اسلامی و حضور مستمر در خط ولایت و رهبری است: سفارشی که امام راحل در یک جمله تمام کرده که «پشتیبان ولایت فقیه باشید تا آسیبی به مملکت شما نرسد.»



امروز عمل به وصیت و سفارش شهیدان بیش از هر زمان احساس می شود؛ چرا که دشمنان داخلی و خارجی رأس هرم نظام مقدس جمهوری اسلامی را نشانه گرفته اند و ما باید همچون شهیدانمان هستی خویش را در راه حفظ نظام مقدس جمهوری اسلامی که به فرموده ی امام عزیز از او جب واجبات است، فدا کنیم تا انقلاب اسلامی و ستون خیمه ی آن، ولایت فقیه، پا بر جا بماند.

مرکز حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس سپاه عاشورا، بر خود وظیفه می داند برای نشر و استمرار تفکر و روحیه بسیج در پیکره ی جامعه که در آن انسانهای نجیب و شرافتمند برگرد ستون حرکت ولایت مطلقه فقیه که همان استمرار حرکت انبیاء و صلحاء و ائمه علیهم السلام است، با وجود اندک بضاعت ولیکن با عشق و دلباختگی به راه شهیدان و الایم مقام، تمام سعی و تلاش ما را برای تهیه و تدوین این گونه کتب که اثر با ارزشی می باشند بکار گیرد تا قدری از این وظیفه خطیر الهی را جهت بصیرت و هوشمندی جامعه، تقدیم ملت شهید پرور و شهادت طلب بالاخص مردم ولایتمدار و غیرتمند و حماسی آذربایجان نماید.

از بزرگوارانی که هیچ گونه توقع و چشم داشتی را در مقابل ایثار و فداکاری هایشان (تقدیم جان و مال و عیال و فرزندان) از کسی غیر از خداوند متعال ندارند و در تهیه و تدوین این مجموعه گرانبها تقبل زحمت فرمودند و همچنین از وارستگی که شبانه روز بر این امر مهم لبیک گفته و محبت خودشان را بر آستان شهیدان و نشر فرهنگ عاشورایی بر طبق اخلاص نهاده و قلب ولایت امر رهبر عظیم الشان انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای مدظله العالی را خشنود نمودند تقدیر و تشکر نموده و سعادت مندی آنان در خدمت به نظام مقدس جمهوری اسلامی را از درگاه خداوند منان مسئلت می نمایم.

مدیر مرکز حفظ آثار و نشر ارزش های

دفاع مقدس سپاه عاشورا

محمد حبیب الهی

اسفند ۱۳۸۹



به نام خدای شهیدان

این کتاب، زندگی نامه حاج مقصود پور رادی نیست، بررسی است از بخش هایی از زندگی این نوحه خوان رزمنده که دو فرزندش را تقدیم انقلاب کرده و از دو پا جانباز است. حاج مقصود خیلی کم گفت، نمی خواست از خودش بگوید از خود هیچ نگفت و هر چه گفت از شهیدان گفت، و آنچه حاصل آمد خود یادستنی است از شهیدان لشکر عاشورا.

حاج مقصود را دوست دارم به خاطر تکه هایی که می خواند، به خاطر حنجره ی نی مانند اش، صدای سوزناک نی آگین اش، و حالی که خواندنش به مجلس می دهد. دوستش دارم به خاطر جانبازی اش، به خاطر امید و رضایش، و به خاطر صراحت در لهجه و گفتارش، به هر حال این کتاب روایت من است از گفته های حاج مقصود.

جادار دقدردان باشیم از عزیزانی که به همت آنان این اثر آماده شد، از برادر عزیزم

اخ‌الشهید حاج اسماعیل وکیل زاده که پیشنهاد این کار از او بود و در مصاحبه‌ها با من بود تا آخر. از آقای یعقوب میرزایی که زحمت پیاده کردن مصاحبه‌ها با او بود. و از مدیر محترم مرکز حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس سپاه عاشورا ابرار جمندم جناب آقای حبیب‌اللهی که این اثر از طریق آن مرکز منتشر می‌شود.

از همسر مهربانم که با شب بیداری‌ها و کم‌حوصلگی‌هایم ساخت و خم به ابرو نیاورد. و از سایر عزیزانی که دستی در آتش داشتند تا این نان پخته شد.

و پایان سخن آغازین و سخن پایانی این دیباچه نه با حاج مقصود که با مقتدای حاج مقصود پور رادی است که زینت افزای بساط نشأتین است و سرور و سرخیل مخموران حسین.

ای مولا و مقتدای من!

جن عالم به فدای تو و کربلا و عاشورای تو، تو را قسم می‌دهم به واپسین لحظه‌هایی که دیده در دیده‌ی اکبرت دوختی و زبان خشک در گامش نهادی.
با همان دیدگان شهلا، نگاهی هم به ما کن. آمین

و کلیه هم‌بسط ذریعه بالوصید

تبریز - دوازده دیماه هزار و سیصد و هشتاد و نه شمسی

مهدی نعلبندی